

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 46)

عصیانها و افشاگریهای نظامیان امریکایی

درسالهای اخیر، عصیانها و رویداد های مسلحانه زیادی، بخصوص درچارچوب ارتش امریکا بوقوع پیوسته و هرعصیان و اقدام مسلحانه، جان ده ها تن از شهروندان آن کشوررا گرفته است. البته مقام های امریکایی تاکنون سعی بخرچ داده اند تا علت و اسباب اصلی چنین عصیانگریها، آنها ازسوی منسوبین ارتش را پنهان نگهدارند. سال 2009 میلادی بود که شخصی بنام " میجرندال حسن " یکی ازداکتران ارتش امریکا، دریک اقدام مسلحانه درداخل پایگاه ارتش، به تعداد سیزده تن را به قتل رسانید، مگرعلل و انگیزه اصلی این اقدام خونین از انظار و افکار عامه مخفی نگهداشته شد.

"برادلی میننگ " یکی از تحلیلگران ارتش امریکا درسال 2009 میلادی، طی یک اقدام افشاگرانه و درواقع، عصیانگرانه، هزاران سند محرمانه متعلق به فعالیتهای ارتش ایالات متحده امریکا را در اختیار " جولیان آسانژ " مدیر وبسایت " ویکیلیکس " قرار داد. افشای این اسناد، هرچند شک و تردید محتاطانه ای را درحلقات سیاسی جهان بمیان آورد، بازهم مشت مقام های امریکایی را به حد کافی نزد جهانیان بازنمود. این نکته را نیزباید متذکر شد که " جولیان آسانژ " درانترنشر اسناد محرمانه ارتش امریکا، مورد پیگرد قرارگرفت و تا مدتها درسفارت کشور اکوادور درلندن پناه گرفته بود و افشای کننده این اسناد (برادلی میننگ)،

آنطور که در صفحاتِ دیگر این اثر نیز گنجانیده شده است، از سوی محکمه ای در امریکا، به حبس ابد محکوم گردید.

"هارون الکسس" جوانِ دیگری از منسوبین ارتش امریکا بود که طی یک اقدامِ عصیانگرانه خونین در نیمه های سال 2013م در داخل پایگاهِ بحری امریکا در حومه و اشنگتن، به تعداد دوازده نفر نظامی و غیر نظامی را به قتل رسانید.

همچنان جوان دیگری بنام "اسنودن"، بزرگترین و تکان دهنده ترین اسرار اطلاعاتی ایالات متحده امریکا مبنی بر استراق صوت و جاسوسی در مورد رهبران کشورهای جهان را برای جهانیان افشا نمود که توضیحات مفصلتری در صفحات قبلی این اثر ارائه گردیده است.

وقوع چنین حوادثِ هولناک میرساند که نظام حاکم در ایالات متحده امریکا، نه تنها ملت ها و کشورهای جهان را در چنگالِ آهنینِ خویش میفشارد، بلکه شهروندان امریکا را نیز سخت به ستوه آورده است.

به همین سلسله، شبکه اطلاع رسانی افغانستان به نقل از خبرگزاری فرانسه، بتاريخ بیست و هشتم ماه عقرب 1392 خورشیدی نوشت که "مردی که به اتهام آدمخواری در جنوب غرب فرانسه بازداشت شده، تا اواخر اکتوبر در میان نیروهای نظامی فرانسه در افغانستان حضور داشته است... این مرد بیست و شش ساله، تکه ای از قلب یک مرد نود ساله را که در پانزدهم نوامبر کشته شده بود، خورده است ... آزمایشات روانپزشکی بر روی او نشان میدهد که وی دچار نوعی هذیان مرموز شده است ..."

چنین بیماری و جنون میان افراد ارتش کشورهای متجاوز شیوع داشته جنایت های عظیم و دهشتناکی را در سرزمین های اشغال شده، آفریده و می آفریند. (این سلسله از جنونها و جنایت های اعتراضی و یا عامدانه در داخل ارتش امریکا و سایر قدرتهای بزرگ و یا از سوی منسوبین ارتش آنان علیه ملت های دیگر، پیچیده، دایمی و مستمر بوده و ایجاب تحقیقات

وسیع، دقیق و جداگانه را مینماید.)

ضمناً باید علاوه نمود که صد ها موضوع مهم و محرم دیگری نزد کارمندان نظامی و اطلاعاتی ابر قدرت ایالات متحده آمریکا پیرامون کشورهای جهان وجود دارد که به شیوه های مختلف از افشای آنها جلوگیری بعمل می آید.

از این موضوع که بگذریم، به سلسله تعقیب ها، قتل ها و دستگیریهای عناصر تروریست در منطقه باید افزود که هنوز بیشتر از یکماه از واقعه قتل اسامه بن لادن در خاک پاکستان سپری نشده بود که فرد دیگری بنام " الیاس کشمیری" نیز توسط طیاره های بدون پیلوت امریکایی، باز هم در خاک پاکستان (نواحی وزیرستان شمالی) به قتل رسید. " الیاس کشمیری" نیز شامل فهرست سیاه آمریکا بود و گفته شد که وی نزد فعالین سازمان تروریستی " القاعده" جایگاه بلندی داشته و طراح حملات تروریستی مختلفی از جمله حمله خونین بالای هتل بزرگ شهر بمبئی هندوستان در سال 2008 میلادی نیز بود. در اثر این حمله در آن زمان، به تعداد دوصد تن بکام مرگ رفتند.

تذکر این نکته هم ضروری است که شبکه استخبارات نظامی پاکستان (آی.اس.آی) از وجود استعداد " الیاس" علیه هندوستان در کشمیر استفاده زیادی بعمل می آورد.

در بحبوحه هدف گیری های طیاره های بدون سرنشین، فشار افکار عامه پاکستان، اعتراضات جامعه جهانی، بخصوص ایالات متحده آمریکا، چنین افواه به راه افتاد که مقام های پاکستانی، ملا عمر رهبر گروه طالبان و برخی دیگر از سر دسته های آنها را از شهر کویت به جای نامعلومی انتقال داده اند. چنانکه شبکه اطلاع رسانی افغانستان (افغان پیپر) نوشت که " رهبر گروه طالبان از کویت به طرف کراچی در حرکت بود که ناپدید گردید. . .

بعد از مرگ اسامه، ملا عمر رهبر گروه طالبان پیامی دریافت کرد که ساحة خروت آباد را ترک کند. وی با همکاری جمعی از اعضای شورای کویت در منطقه جنگل مشخصاً در ساحة ی قلعه عبدالله که در ساحة ای میان چمن و کویت قرار دارد مخفی شد و تا تاریخ بیست و پنجم ماه ثور در همین منطقه بود. "

شبکه اطلاع رسانی افغانستان از قول شخصی بنام "کوهستانی" نگاشت که " ملاعمر در فاصله میان وزیرستان شمالی و جنوبی دچار کدام حادثه جدی شده و به احتمال زیاد کشته شده است. " (158) اما، منابع مطلع اظهار داشتند که مقام های (آی.اس.آی) پاکستان، با ملاحظه رویداد قتل اسامه بن لادن و بخاطر آنکه ملاعمر نیز در نتیجه چنین عملیات مخفی احتمالی کشته نشود، او را از محل اقامتش در شهر کویته، بجای مصوون تر انتقال داده اند. هر چند اعتقاد عمومی و تحلیلگران دقیق سنج این بوده و هست که ملاعمر و سایر رهبران گروه های تروریستی همانطور که در پناه حمایت های مالی، سیاسی و لوژستیکی سازمان جاسوسی پاکستان قرار دارند، مقام های نظامی و اطلاعاتی آن کشور این افراد و ابزار را تا روزیکه به آنها نیاز دارند، در پناهگاه های مصوون نظامی نگهداری مینمایند و اما، وقتی تاریخ کارآیایی و مصرف شان سپری شود و یا تحت فشار های سنگین قرار گیرند، به فروش، مبادله و یا قتل آنها متوسل میشوند.

در موقعی که گزارش بالا به نشر رسید، نه چگونه گی دقیق رویداد را کسی میدانست و نه ثقه بودن قتل ملاعمر از سوی منابع معتبر تأیید میشد، مگر تقریباً پس از سه سال، یعنی در اوایل سال 2016 میلادی بود که مرگ ملای مذکور از سوی مقام های پاکستانی افشا گردید که از موضوع در جایش تذکر خواهیم داد.

